****

[ادامه بررسی ادله انقلاب عمره تمتع به حج افراد در فرض احرام به حج قبل از تقصیر 1](#_Toc488249267)

[کلام محقق خوئی ره در دلالت صحیحه ابی بصیر 1](#_Toc488249268)

[نقد کلام محقق خوئی ره 2](#_Toc488249269)

[(مسألة 355) 5](#_Toc488249270)

[بررسی حکم ترک تقصیر تا احرام به حج نسیانا 5](#_Toc488249271)

[بررسی حکم کفاره 6](#_Toc488249272)

[(مسألة 356) 7](#_Toc488249273)

[بررسی حکم حلق بین عمره تمتع و حج تمتع 8](#_Toc488249274)

[فقه الحدیث صحیحه جمیل 8](#_Toc488249275)

**موضوع**: احکام تقصیر /تقصیر /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بررسی ادله انقلاب عمره تمتع به حج افراد در فرض احرام به حج قبل از تقصیر

### کلام محقق خوئی ره در دلالت صحیحه ابی بصیر

محقق خوئی فرموده ظاهر روایت ابی بصیر این است که فرض این شخص منقلب به حج افراد می شود، نه این که حج عقوبتی باشد و لازم باشد بعدا حجة الاسلام را تکرار نماید اما اگر این استظهار پذیرفته نشود، علم اجمالی منجز حاصل می شود که یا حج افراد، حج واجب مکلف و وظیفه او در حجة الاسلام است، پس لازم است بعد از آن عمره مفرده بجا آورد، و یا حج افرادی که انجام می دهد، مجزی از حجة الاسلام او نیست، پس در سال های بعد باید حج تمتع انجام دهد و لذا باید احتیاط کند.

#### نقد کلام محقق خوئی ره

اولا: این روایت ظهوری در انقلاب فرض شخص به حج افراد ندارد، اگر روایت می گفت لیس علیه متعة، بعید نبود که ظهورش این باشد که بر این شخص دیگر حج تمتع واجب نیست، اما فرض این است که شما می گویید نسخه صحیح در روایت، لیس له متعة است، معنای این جمله این است که دیگر تمتع او پذیرفته نیست و از آن استفاده اجزاء از حجة الاسلام نمی شود.

و همین طور است کلمه "بطلت عمرته هی حجة مبتولة" در روایت علاء بن فضیل که ظهوری در اجزاء ندارد و لذا این مکلف باید در سال های بعد، حج تمتع بجا آورد.

در این جا اطلاق مقامی نیز وجود ندارد، بله، اگر غفلت نوعیه وجود می داشت و نوعا مردم به همین حج اکتفاء می کردند، اطلاق مقامی استفاده می شد، اما فرض این است که مردم حج استحبابی نیز انجام می دادند و غفلت نوعیه وجود نداشته است و لااقل محرز نیست، و در اطلاق مقامی تا احراز در مقام بیان بودن نشود، نمی توان به اطلاق مقامی تمسک نمود.

ثانیا: دو تبصره در رابطه با علم اجمالی مذکور در کلام محقق خوئی باید مطرح شود؛

تبصره اول این که اگر وجوب عمره مفرده را فوری ندانیم، می شود این شخص به حج تمتع در سال های بعد اکتفاء کند و عمره تمتعی که در سال های بعد انجام می دهد، مجزی از عمره مفرده نیز می باشد، زیرا در صحیحه معاویة بن عمار آمده: وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: الْعُمْرَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى الْخَلْقِ بِمَنْزِلَةِ الْحَجِّ عَلَى مَنِ اسْتَطَاعَ- لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلّهِ- وَ إِنَّمَا أُنْزِلَتِ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَةِ- قَالَ قُلْتُ: لَهُ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ - أَ يُجْزِئُ ذَلِكَ عَنْهُ قَالَ نَعَمْ.[[1]](#footnote-1)

ظاهر ذیل روایت این است که عمره تمتع، از عمره مفرده مجزی است و لذا لازم نیست برای احتیاط، هم عمره مفرده در امسال انجام شود و هم سال بعد حج تمتع انجام شود، بلکه همین که در سال بعد حج تمتع بجا آورد، به مقتضای احتیاط عمل شده است.

تبصره دوم این است که هر طرف این علم اجمالی، دلیل بر وجوب دارد، ظاهر روایت این است که عمره مفرده بعد از حج وجوب دارد، ولو حج افراد انقلابی یا عقوبتی یا استحبابی باشد، مثل صحیحه حلبی: مَا رَوَاهُ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ أَهَلَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ جَمِيعاً ثُمَّ قَدِمَ مَكَّةَ وَ النَّاسُ بِعَرَفَاتٍ فَخَشِيَ إِنْ هُوَ طَافَ وَ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَنْ يَفُوتَهُ الْمَوْقِفُ فَقَالَ يَدَعُ الْعُمْرَةَ فَإِذَا أَتَمَّ حَجَّهُ صَنَعَ كَمَا صَنَعَتْ عَائِشَةُ وَ لَا هَدْيَ عَلَيْهِ.[[2]](#footnote-2)

عایشه عمره مفرده انجام داد و صحیحه نیز اطلاق دارد، چه قبلا حج واجب بجا آورده باشد و چه بجا آورده نباشد، و خلاف فهم عرفی است که این شخص که ترک تقصیر کرده، و حج او به حج افراد انقلاب شده باشد، بر او عمره مفرده لازم نباشد.

و همچنین است صحیحه جمیل: الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ فَضَالَةَ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ الْمَرْأَةِ الْحَائِضِ إِذَا قَدِمَتْ مَكَّةَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ قَالَ تَمْضِي كَمَا هِيَ إِلَى عَرَفَاتٍ فَتَجْعَلُهَا حَجَّةً ثُمَّ تُقِيمُ حَتَّى تَطْهُرَ وَ تَخْرُجُ إِلَى التَّنْعِيمِ فَتُحْرِمُ فَتَجْعَلُهَا عُمْرَةً: قَالَ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ كَمَا صَنَعَتْ عَائِشَةُ.[[3]](#footnote-3)

لذا محذوری ندارد که حج افراد انقلابی فرق کند با حج افراد غیر انقلابی، این شخص در ابتداء ملتزم به حج و عمره شده بوده است و لذا باید بعد از حج افراد آن عمره ای که به آن ملتزم شده را انجام دهد.

وجوب حج تمتع در سال های بعد هم مطابق با اطلاقات ادله وجوب حج تمتع بر نائی است و نفی اجزاء حج افراد از حجة الاسلام نائی می کند.

استصحاب هم سبب تنجیز وجوب حج تمتع در سال های آینده می شود.

لذا هر دو طرف علم اجمالی، منجز تفصیلی دارد، اما اگر یکی از این دو منجز تفصیلی پذیرفته شود و دیگری پذیرفته نشود، مثلا استصحاب بقاء وجوب حج تمتع فقط پذیرفته شود، اما از روایات، استظهار وجوب عمره نشود، علم اجمالی منحل می شود، چون یک طرف علم اجمالی منجز تفصیلی دارد.

و لکن به نظر ما هر دو طرف منجز تفصیلی دارد و باید هم امسال بعد از حج افراد، عمره مفرده انجام دهد و هم اگر حج واجب در سال های قبل انجام نداده، باید در سال های بعد حج تمتع بجا آورد.

نکته:

اگر این شخص عمدا حج تمتع خود را منقلب به حج افراد کند که مجزی از حج واجب هم نیست، به نظر مشهور سبب استقرار حج تمتع بر او شده و در سال های بعد بدون استطاعت مالی هم که باشد باید به حج بیاید، ولو به حرج بیفتد.

البته مشهور هم در فرض عدم تمکن و عجز عقلی نگفته اند باید سال های بعد به حج بیاید و نهایتا حج بر ذمه او مستقر شده و از ترکه او بعد از مرگ خارج می شود.

و لکن ما با فتوای مشهور موافق نیستیم، یک اشکال ما در اصل استقرار حج بعد از زوال استطاعت است، چون دلیل واضحی ندارد و لذا مثل محقق خوئی گفته اند اگر شخص مستطیع، عالم عامد یا جاهل مقصر باشد و حج بجا نیاورد و بعد فوت استطاعت شود، حج بر او مستقر می شود، نه کسی که جاهل قاصر یا ناسی موضوع باشد، زیرا دلیل واضحی بر استقرار حج بر او نیست و در ما نحن فیه نیز ممکن است این شخص جاهل قاصر باشد.

اشکال دیگر ما به تبع مرحوم تبریزی این است که دلیل لاحرج از شمول نسبت به این شخص قصور ندارد، فرضا عمدا یا از روی جهل تقصیری هم ترک تقصیر کند، نهایتا معصیت کرده، اما مانع از شمول اطلاق لاحرج نسبت به آن نمی شود.

# (مسألة 355)

**إذا ترك التقصير نسيانا فأحرم للحج صحت عمرته، و الأحوط التكفير عن ذلك بشاة.[[4]](#footnote-4)**

## بررسی حکم ترک تقصیر تا احرام به حج نسیانا

روایاتی بر صحت حج تمتع در فرض ترک تقصیر نسیانا وارد شده و معنایش این است که احرام حج ناسی تقصیر و محرم به حج، صحیح است و لازم نیست تقصیر هم بجا آورد، این که در تقریرات محقق خوئی در موسوعه آمده احرام برای حج به حکم عدم است و باید اول تقصیر کند و بعد احرام حج ببندد، قطعا سهو قلم از مقرر است، و گرنه محقق خوئی چنین نمی فرماید و از واضحات، عدم وجوب تقصیر و صحت احرام است.

صحیحه عبد الرحمن بن الحجاج: وَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَدَخَلَ مَكَّةَ فَطَافَ وَ سَعَى وَ لَبِسَ ثِيَابَهُ وَ أَحَلَّ وَ نَسِيَ أَنْ يُقَصِّرَ حَتَّى خَرَجَ إِلَى عَرَفَاتٍ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ يَبْنِي عَلَى الْعُمْرَةِ وَ طَوَافِهَا وَ طَوَافُ الْحَجِّ عَلَى أَثَرِهِ.[[5]](#footnote-5)

البته این مورد روایت فرضی است که تا وقوف به عرفات ملتفت نشود، اما دیگر روایات مطلق است.

صحیحه معاویة بن عمار: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى وَ صَفْوَانَ وَ فَضَالَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ أَهَلَّ بِالْعُمْرَةِ- وَ نَسِيَ أَنْ يُقَصِّرَ حَتَّى دَخَلَ فِي الْحَجِّ- قَالَ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ لَا شَيْ‌ءَ عَلَيْهِ وَ تَمَّتْ عُمْرَتُهُ.[[6]](#footnote-6)

امر به استغفار و این که حکم به اعاده نشده، سبب ظهور روایت در صحت احرام و عدم لزوم تدارک تقصیر است.

معتبره اسحاق بن عمار: وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) الرَّجُلُ يَتَمَتَّعُ فَيَنْسَى أَنْ يُقَصِّرَ حَتَّى يُهِلَّ بِالْحَجِّ فَقَالَ عَلَيْهِ دَمٌ يُهَرِيقُهُ.[[7]](#footnote-7)

قبلا نیز متذکر شدیم که روایاتی مثل روایت ابی بصیر که گفته در صورت ترک تقصیر، حج تمتع او به حج افراد منقلب می شود، بر عالم عامد و جاهل حمل می شود و فرد نادر هم نیست.

### بررسی حکم کفاره

معتبره اسحاق بن عمار حکم به وجوب کفاره کرده و لذا در ریاض از شیخ طوسی و ابن براج و ابن حمزه و علامه وجوب کفاره دم را نقل کرده و گفته هذا لایخلو من قوة به شرط این که سند این روایت تمام باشد، چون ظاهرا او هم حجیت خبر موثق را قبول ندارد.

صاحب ریاض فرموده: برخی علیه دم یهریقه را بر استحباب حمل کرده اند، به قرینه لاشیء علیه در دیگر روایات، در حالی که جمع موضوعی بر جمع حکمی مقدم است، لذا لاشیء علیه باید به وجوب کفاره دم تخصیص بخورد.

محقق خوئی فرموده: گرچه جمع موضوعی بر جمع حکمی مقدم است، اما نه در این جا، زیرا لاشیء علیه، نص در نفی مطلق کفاره است، زیرا بالاتر از کفاره دم که چیزی نیست تا قرار باشد با لاشیء علیه نفی شود، اگر روایت می گفت لا شیء علیه و روایت دیگری می گفت علیه کف من طعام، مشکلی نبود، و می­گفتیم لا شیء علیه را بر کفاره دم حمل می کنیم، اما از کفاره دم که بالاتر نداریم تا لا شیء علیه آن را نفی کند.

لذا به نظر ما نیز کفاره دم در ما نحن فیه مستحب است.

# (مسألة 356)

**إذا قصر المحرم في عمرة التمتع‌ حلّ له جميع ما كان يحرم عليه من جهة إحرامه ما عدا الحلق. أما الحلق ففيه تفصيل و هو أن المكلف إذا أتى بعمرة التمتع في شهر شوال جاز له الحلق الى مضي ثلاثين يوما من يوم عيد الفطر و أما بعده فالأحوط أن لا يحلق، و إذا حلق فالأحوط التكفير عنه بشاة إذا كان عن علم و عمد.[[8]](#footnote-8)**

## بررسی حکم حلق بین عمره تمتع و حج تمتع

بعد از تقصیر عمره تمتع، همه محرمات احرام بر محرم حلال می شود، فقط در جواز حلق اختلاف است، مشهور حلق را نیز جایز دانسته اند، اما محقق خوئی طبق یک روایت خلاف این را فرموده و گفته صاحب وسائل نیز چنین فتوا داده، زیرا عنوان بابی که در آن این بحث را مطرح کرده، مطابق با عدم جواز حلق است: بَابُ وُجُوبِهِ فِي عُمْرَةِ التَّمَتُّعِ عَقِيبَ السَّعْيِ وَ أَنَّهُ يَتَحَلَّلُ بِهِ مِنْ كُلِّ مَا حُرِّمَ عَلَيْهِ بِالْإِحْرَامِ إِلَّا الْحَلْقَ‌.[[9]](#footnote-9)

لذا محقق خوئی فرموده طبق صناعت، فتوای به حرمت حلق بجا است و از باب عدم مخالفت با مشهور، احتیاط واجب می دهیم، دلیل این فتوا نیز صحیحه جمیل است: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ مُتَمَتِّعٍ حَلَقَ رَأْسَهُ بِمَكَّةَ- قَالَ إِنْ كَانَ جَاهِلًا فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْ‌ءٌ- وَ إِنْ تَعَمَّدَ ذَلِكَ فِي أَوَّلِ شُهُورِ الْحَجِّ- بِثَلَاثِينَ يَوْماً فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْ‌ءٌ- وَ إِنْ تَعَمَّدَ بَعْدَ الثَّلَاثِينَ يَوْماً- الَّتِي يُوَفَّرُ فِيهَا الشَّعْرُ لِلْحَجِّ فَإِنَّ عَلَيْهِ دَماً يُهَرِيقُهُ.[[10]](#footnote-10)

بر اساس این روایت، کسی که حلق کرده اگر جاهل باشد یا متعمدا در ماه شوال حلق کرده باشد، بر او چیزی نیست، اما اگر متعمدا بعد از ماه شوال حلق نموده باشد، بر او کفاره دم واجب است.

### فقه الحدیث صحیحه جمیل

سخن در این است که «التی» اگر وصف ثلاثین است، مقصود سی روز شوال است و لکن در آن سی روز شوال که امر به توفیر شعر وجود ندارد و قبلش هم گفت که در حلق ماه شوال، لا شیء علیه، پس باید وصف برای بعد الثلاثین باشد، در حالی که بعد الثلاثین مذکر است و وصف آن چگونه مونث شده است؟

و لکن جواب این است که الامر فی التذکیر و التانیث سهل، کما این که نقل معنا می شده است و لذا گفته می شود این روایت شامل بعد از عمره تمتع و قبل از حج تمتع هم می شود و در این صورت کفاره دم واجب گشته است.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج11، ص9، أبواب وجوبه علی کل مکلف مستطیع...، باب1، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/11/9/%D8%A7%D9%84%D8%AE%D9%84%D9%82) [↑](#footnote-ref-1)
2. [استبصار، شیخ طوسی، ج2، ص250.](http://lib.eshia.ir/11002/2/250/%D9%81%D8%AE%D8%B4%DB%8C) [↑](#footnote-ref-2)
3. [تهذيب الأحكام؛ ج‌5؛ 390؛ 26 باب من الزيادات في فقه الحج ؛ ج 5، ص : 387](http://lib.eshia.ir/10083/5/390) [↑](#footnote-ref-3)
4. مناسك الحج (للخوئي)، ص: 154‌ [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج12، ص411، أبواب أن من أحرم بالحج قبل التقصیر...، باب54، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/12/411/%D9%81%D8%AF%D8%AE%D9%84) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص512، أبواب أن من نسی التقصیر حتی أحرم...، باب6، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/512/%D9%86%D8%B3%DB%8C) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج12، ص412، أبواب أن من أحرم بالحج قبل التقصیر...، باب54، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/12/412/%D9%81%DB%8C%D9%86%D8%B3%DB%8C) [↑](#footnote-ref-7)
8. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 154‌](http://lib.eshia.ir/21006/1/152) [↑](#footnote-ref-8)
9. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص505، أبواب وجوبه فی عمرة التمتع عقیب السعی...، باب1، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/505/%D8%A7%D9%84%D8%AD%D9%84%D9%82) [↑](#footnote-ref-9)
10. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص510، أبواب وجوب التقصیر فی عمرة التمتع...، باب4، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/510/%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84%D8%A7) [↑](#footnote-ref-10)